

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

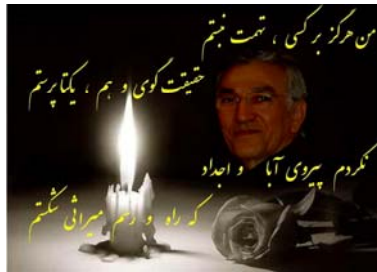
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۰۲ اکتوبر ۲۰۱۸



دوست نهایت عزیز و ارجمندی بعد از مطالعه سروده عشق پیری

(عشق پیری را هوا و آب و تاب دیگرست مرکبش را قیزه و زین و رکاب دیگرست ...)

پرسیده اند که (دیگرست و دیگرست ها) یعنی چه، لطفاً بگوئید که دیگرست یعنی کدام و کدامها. اینک سروده (چست و چالاک) خدمت شان تقدیم است، تا به مفهوم دیگرست و دیگرست ها رسیده باشند.

چُست و چالاک

عشق پیری بسی خطرناکست	عقل و منطق از او یخن چاکست
صد هزاران هزار عشق جوان	نزد او چون خس و چو خاشاک است
عشق پیری رحیق مختوم است	آتشش خام و از رگ تاکست
مستی اش را، نه وسکی و ودکا	سستی اش را، نه چرس و تریاکست
مزه اش نه به آشک و منتو	نه به انگور و سیب و نه ناکست
لذتش نه به آسمان و زمین	نه به باد و به آب و نه خاکست
نه به غلمان و حوریان بهشت	نه به تاتاریان و سلواکست
اسپ او زین و سخت در جولان	بس دلیر و شجاع و بی باکست
نه به فکر گناه و نه به ثواب	نه به شیخ و ملا و نُساکست
نه نماز و عبادت و طاعت	نه حج و روزه و نه امساکست
قامت و نه رکوع و نه سجده	قبله اش، ریب و از ریا، پاکست
سینه اش را، به جای آرامش	شورش و انقلاب و بلُغاکست
چیزی اندر نظر نمی آرد	بهترینهای گرز افلاکست

(۲) نزدش ز بر لنگ و، نشو
 ز بر لنگ و سب و، ز ناکت
 لذتش ز بر آسمان و زمین
 ز بر باد و بر آب و ز خاکت
 ز بر غلمان و حریفان بهشت
 ز بر آتاریان و، سلواکت
 ز بر لاین و منت در جولان
 بن دایس و شجاع و بی باکت
 ز بشکر گناه و ز بر ثواب
 ز بر شیخ و مله و ناکت

(۱) چُست و چالاکت
 عشق پیر بی خطر ناکت
 عقل و عقل ازو بمن چاکت
 صد حسرتان حسرت عشق جولان
 نزد او چون خس و چو خاکت
 عشق پیر در صیقل محو است
 کوشش خام و، از رک ناکت
 مستی از او، زوی و، ذکا
 مستی از او، ز پرس و تریاکت

ز نسل و مبادت و طاعت (۳)
 زنج و، روز و، ز ناکت
 قامت و ز رکوع و، ز سجده
 قدش، زیب و از ریا، پاکت
 سینش را، بجای آرزو
 شورش و از نلاب و نیناکت
 چیسز زده نغمه نمی آرد
 بهت ز نساگر ز وفداکت
 نعمتا،! و تیبلا از پیر
 لشکر عشق چُست و چالاکت